

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال نهم، شماره ۲۶ / ۲۳۴ دی ۱۵ / ۱۴۰۳ و آئوبه ۲۰۲۴

سندیکا و حق اعتصاب در ایران



در این شماره می‌خوانید:

حق اعتصاب کارگران در ایران

جنبش کارگری ایران امید به دستیابی به حقوق خود را افزایش داده است

بررسی پیشینه و دستاوردهای سندیکای شرکت واحد

تلاش برای همبستگی می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت برای طبقه کارگر باشد

بررسی نقش اقدامات جهانی در حمایت از جنبش کارگری ایران

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، مصاحبه‌ها: جواد عباسی توللی

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

حق اعتصاب کارگران در ایران



محمد مقیمی

اعتصاب به عنوان یک حق بشری تاثیرگذار بوده است. ایران در قرن اخیر در تکاپو برای صنعتی شدن و گذار بسوی دموکراسی با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده و حکومت توتالیتر جمهوری اسلامی نیز چون سدی بر سر راه توسعه ایران قرار گرفته است. بنابراین، پیش‌نیاز به رسمیت شناختن حق سندیکاها و حق اعتصاب کارگران، وجود آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در واقع، از یک سو، در پرتو اقتصاد آزاد و تقویت بخش خصوصی و صنعت باید کارگران قدرتمند شوند و از سویی دیگر، وجود آزادی‌های سیاسی مستلزم به رسمیت شناختن حقوق شهروندان و صنوف از جمله کارگران است.

مفهوم اعتصاب

اعتصاب از نظر معنای واژه یعنی: گرد آمدن مردمان، این واژه که از مصدر عربی برگرفته شده، در اصطلاح حقوقی به مفهوم؛ دست از کار کشیدن گروهی و گرد آمدن آنان برای رسیدن به هدفی معین مانند بدست آوردن آزادی، کاستن ساعات کار، اضافه حقوق و غیره است.^۱ اعتصاب به معنی توقف موقت و هدفمند کار از سوی گروهی از کارکنان و مردم به منظور بیان اعتراض یا تحقق یک یا چند خواسته اعتصاب‌کنندگان است. در اعتصاب، اقدام علیه کارفرمایان انجام می‌گیرد؛ و در نهایت ممکن است کارگران و مدیران وارد «ستیز اجتماعی» شوند.^۲ پل دوران در تعریف حق اعتصاب می‌گوید: «هر گونه توقف کار که موقتی بوده و در

یکی از موضوعات مهم حقوق کارگران، حق اعتصاب است. این حق، امروزه برابر اسناد حقوق بشری از جمله توصیه‌نامه‌ها و مصوبات سازمان بین‌المللی کار (ILO) به عنوان یک حق بشری شناخته شده است. اگرچه برخی کشورها این حق را در قوانین داخلی‌شان به رسمیت شناخته‌اند، ولی در بسیاری دیگر از کشورها این حق مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است. این موضوع در کشورهای غیردموکراتیک از جمله ایران با چالش بیشتری روبرو است. آیا در ایران درباره «حق اعتصاب» برای کارگران قانون مشخصی وجود دارد؟ و چرا کارگران به‌طور سیستماتیک از داشتن سندیکا و تشکل مستقل از دولت برای طرح و پیگیری مطالبات خود محروم‌اند؟ همچنین با توجه به جرم‌انگاری غیررسمی فعالیت‌های سندیکایی در ایران، آیا کارگران راهکارهای قانونی دیگری برای دستیابی به اهداف خود در اختیار دارند؟ ایجاد سندیکاها و تشکل‌های کارگری نتیجه فرایند انقلاب صنعتی و نقش کارگردان در این فرایند است. همچنین، ایجاد و گسترش دموکراسی نیز به تقویت تشکل‌های کارگری و شناسایی حق برخورداری از سندیکا و

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت‌نامه (تهران - انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۱)، جلد هفتم ص ۲۹۸۳.
 ۲- آنتونی گیدنز، ترجمه صبوری منوچهر، جامعه‌شناسی، ۱۳۷۶، تهران، انتشارات نشر نی.

راستای مطالبات کارگران که به نفع همه یا بخشی از آنان باشد و از سوی گروهی که بتوان آنان را نمایندگی کارگران قلمداد کرد، حمایت شود».^۲

حق اعتصاب در اسناد بین‌المللی

هیچ‌یک از اسناد سازمان بین‌المللی کار به حق اعتصاب اشاره نکرده است، ولی این بدان معنی نیست که این سازمان، این حق را به رسمیت نمی‌شناسد. در دو قطعنامه صادر شده در کنفرانس‌های این سازمان که اصول راهبردی سیاست سازمان را تبیین می‌کند، به شناسایی این حق از سوی دولت‌های عضو اشاره شده است. آنچه درباره حق اعتصاب قابل بررسی به نظر می‌رسد، مقاله‌نامه شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار است.^۳ به موجب ماده ۲ مقاله‌نامه پیش‌گفته، تأسیس یا پیوستن به تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به اجازه از دولت‌ها نیاز ندارد. همچنین، برابر بند ۲ ماده ۳ مقاله‌نامه یادشده، مقامات دولتی باید از هرگونه مداخله‌ای که ممکن است آن حق را محدود یا مانع از اعمال قانونی آن شود، خودداری کنند. همچنین، برابر ماده ۴ آن، امکان انحلال یا تعلیق (فعالیت) سازمان‌های کارگری و کارفرمایی از طرق اداری (غیرقضایی) وجود ندارد و این نشان از اهمیت فعالیت‌های اینچنینی نهادهایی در تنظیم مناسبت‌های کاری است. بنابراین، اگرچه حق

حق اعتصاب در قوانین ایران

قانون کار مصوب ۱۳۳۷، حق اعتصاب را مورد شناسایی قرار نداده بود، ولی قانون اصلاح و الحاق مواد و دو تبصره به قانون کار مصوب ۱۳۳۷، مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۳، با الحاق تبصره‌ای به ماده ۴۵ این قانون، بطور صریح حق اعتصاب کارگران را به رسمیت شناخت. پس از انقلاب و با تصویب قانون کار ۱۳۶۹، اگرچه حق اعتصاب در این قانون تصریح

۲- باقرزاده، احسان، حق اعتصاب در حقوق ایران با نگرشی به موازین بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۱۲.

۳- باقرزاده، احسان، حق اعتصاب در حقوق ایران با نگرشی به موازین بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۱۲. http://www.publicworld.org/clients/european_foundation/, (2007), 10, (Foundation for the Improvement of Living and Working Condition).

نشده، ولی بطور ضمنی این حق مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۱۴۲ این قانون مقرر می‌دارد: «در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمان‌های قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمده تولید از سوی کارگران شود، هیئت تشخیص موظف است بر اساس درخواست هر یک از طرفین اختلاف و یا سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید». بنابراین قانونگذار، اعتصاب را در دو شکل «تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه» و یا «کاهش عمده تولید از سوی کارگران» مورد شناسایی قرار داده است.

همچنین، با توجه به اینکه ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوسته است و نظر به اینکه بند ۱ ماده ۸ این میثاق، ضمن توجه به حقوق اقتصادی اجتماعی اشخاص، در قسمت «د» بطور صریح به حق اعتصاب اشاره دارد و می‌گوید: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد به تضمین حق اعتصاب هستند، مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود». می‌توان گفت در قانون داخلی ایران نیز حق اعتصاب بطور صریح به رسمیت شناخته شده است. چه اینکه برابر ماده ۹ قانون مدنی؛ مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

بنابراین، با توجه به اینکه قانون کار کنونی ایران

بطور ضمنی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در حکم قانون داخلی است، بطور صریح حق اعتصاب را به رسمیت شناخته است، می‌توان گفت: بیش از اینکه حق اعتصاب در ایران با خلاء قانونی روبرو باشد، از نبود ضمانت اجرا رنج می‌برد. در واقع، رعایت حقوق بشر و اجرای قوانین مربوط بدان در داخل یک کشور به میزان احترام ساختار حکمرانی آن به اصول دموکراتیک، موازین حقوق بشری و اصول حکمرانی مطلوب باز می‌گردد. بدیهی است، جمهوری اسلامی نه تنها به هیچ‌یک از اصول دموکراتیک و موازین حقوق بشری باور ندارد، بلکه در شرایط کنونی که موقعیت خود را بسیار شکننده می‌داند و از بیم خیزش مردم و فروپاشی به سرکوب معترضان به شدیدترین شکل ممکن دست می‌زند، با هرگونه تجمع و اعتراضی از جمله اعتراضات کارگران با توسل به نیروی قهری برخورد می‌کند. بنابراین، جمهوری اسلامی هرگونه اعتصاب و حتی در اغلب موارد تجمع کارگران یا صنوف را جرم تلقی و با عناوین مجرمانه مانند تبلیغ علیه نظام یا اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و غیره، اعتصاب‌کنندگان احتمالی یا تجمع‌کنندگان را محاکمه می‌کند. با این حال، کارگران شریف و زحمتکش با وجود این موانع و چالش‌های خطیر از پیگیری و مبارزه در راستای احقاق حق خود سرباز نزده‌اند. از نظر حقوقی نیز در چنین شرایطی کارگران حق دارند با راهکارهای مانند نافرمانی مدنی، تجمع و اعتصاب حقوق بنیادین خودشان را محقق کنند.

کوهستانی نژاد، مشاور کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و عضو کنگره کار کانادا گفت‌وگو کرده است.



جواد عباسی توللی

در حالی که در کشورهای همسایه نظیر ترکیه داشتن سندیکا یک امر عادی برای کارگران تلقی می‌شود به نظر شما چرا همین امر عادی در ایران جرم محسوب می‌شود؟ به بیان دیگر، چرا جمهوری اسلامی به صورت سیستماتیک از تشکیل سندیکای مستقل کارگران در ایران جلوگیری می‌کند؟

نخست باید گفت از سال ۱۲۸۵ شمسی تا به امروز و در مقاطع مختلف تاریخی، جریان‌های کارگری در ایران دارای شکل و هماهنگی بوده و تشکل‌یابی یک امر غیر عادی در جامعه ما نبوده است. در ۴۶ سال گذشته یعنی از زمان شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی در ایران تا به امروز، یک تضاد و خصومت در درون حاکمیت علیه جنبش کارگری وجود دارد که بخش مهم از آن به مبانی اقتصاد اسلامی که بر مبنای فقه و شریعت شکل گرفته است مربوط می‌شود. مباحث فقهی بیشتر به ترویج زهد و قناعت مرتبط است و نگاهی قضا و قدری به امور دارند در حالی که تشکل‌یابی کارگری، امری متعلق به دوران مدرن است که پس از

تشکل‌یابی طبقه کارگر ایران به عنوان اقدامی جمعی علیه شرایط نامساعد کاری، بارها منجر به تحولات عظیمی در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران معاصر شده است. اعتصاب هماهنگ صدها نفر از کارگران و کارکنان صنعت نفت پالایشگاه‌های تهران، تبریز، آبادان، اصفهان و شیراز در شهریور ۱۳۵۷ از جمله برجسته‌ترین نمونه اعتصاب‌های تأثیر گذار در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که نقش موثری در سقوط سلطنت پهلوی ایفا کرده است. با وجود تأثیرگذاری همیشگی طبقه کارگر ایران در تحولات سیاسی و اجتماعی در یک قرن اخیر، کارگران ایران اما همچنان از حق بدیهی برخورداری از سندیکا و تشکل مستقل در کشور محرومند.

این در حالی است که حتی در کشورهای همسایه ایران نیز، برخورداری از تشکل مستقل برای کارگران، به عنوان یک امر بدیهی پذیرفته شده است. مجله حقوق ما برای بررسی دلایل نقض سیستماتیک حقوق کارگران در ایران با مهدی

جنبش کارگری ایران امید به دستیابی به حقوق خود را افزایش داده است



شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری در چهار قرن گذشته در دستور کار کارگران قرار گرفته است و به‌ویژه در ۲۰۰ سال گذشته نهادهای کارگری نیز به موازات نظام سرمایه‌داری جهانی تشکیل شده‌اند. تشکل‌های کارگری هستیم و در ترکیه به‌عنوان یکی دیگر از کشورهای همسایه، تشکل‌های کارگری بیشتر و قوی‌تری وجود دارند چرا که آنها دست‌کم اقتصاد سرمایه‌داری را پذیرفته‌اند و در چهارچوب این اقتصاد در حال حرکتند.

حتی نظام سرمایه‌داری نیز نیازمند آن است تا با یک نیروی متشکل در بخش‌های مختلف اقتصادی مواجه باشد. در ایران اما در حال حاضر، ما با یک سیستم اقتصادی که از لحاظ اقتصادی متعلق به دوران برده‌داریست و سبک دوران معاصر نیست، مواجهیم و به همین دلیل، تضاد و جدال میان حکومت و کارگران از آغاز تا امروز، پیوسته در حال افزایش بوده است. با توجه به شرایط موجود، حتی نهادهای برساخته جمهوری اسلامی نظیر خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار یا در آخرین نمونه، مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران بیشتر به یک تنبیه است تا یک واقعیت. به‌عبارت دیگر، با یک رویکرد دوگانه از سوی حکومت جمهوری اسلامی طرفیم که بر پیشانی جای مهر دارد و در جیب، پول سبز. این تناقض همواره در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است. اگر

به‌نظر شما آیا کارگران ایران می‌توانند بدون وجود سندیکاهای رسمی به حق و حقوق خود برسند؟ در شرایط موجود

کارگران چه دستاوردهایی داشته‌اند؟ کند. علی‌رغم سرکوب‌ها، این گروه‌ها همچنان در حال حاضر مسئله بحران سیاسی در ایران به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. بر اساس به دلیل خیزش دستمزد بگیران در حال گزارش‌هایی که به‌دست ما رسیده، نیروهای پیچیده‌تر شدن است. اعتراضات سراسری در امنیتی به‌منظور بازداشت یکی از بازنشستگان سال‌های اخیر هم به روشنی ثابت کرده است معترض، ابتدا به‌طور پنهانی محل سکونت که جنبش کارگری ایران در جایگاهی قرار گرفته او را شناسایی کرده و شبانه به خانه او یورش که می‌تواند طرف مقابل خود یعنی حکومت را به بردند و به‌طور خشونت‌آمیز او را مقابل چشمان چالش بکشد. فرزندانش دستگیر کردند.

سران حکومت جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۹ با وجود تمامی فشارها و سرکوب‌ها، کارگران در که قانون کار را تصویب کردند تا امروز نتوانسته‌اند (طبق آن قانون که استخدام کارگران را «اجاره کارگران» نامیده بودند) طبقه کارگر ایران را به بردگی بگیرند که این مساله هم بابت ایستادگی کارگران در برابر حکومت بوده است. شرایط فروپاشی سیاسی جمهوری اسلامی در یکی از دستاوردهای مهمی که جنبش کارگری منطقه، توانسته است در مقیاس بزرگتر نفسی تازه کند و حرکت خود را ادامه دهد.

از آن بهره‌برداری کند، توانمندی در سازماندهی است. به‌ویژه در شرایط امنیتی فعلی و در برابر رژیم جمهوری اسلامی، کارگران از تمام صنفا، از جمله صنعت نفت، خودروسازی، و سوسیالیستی قدرت را در دست دارند، خدمات عمومی مانند کارگران شهرداری، یا بنگلادش که شرایط مشابهی با ما دارد معلمان و بازنشستگانی که با توجه به شرایط تورم فعلی از دستمزدهای خود راضی نیستند، باید اذعان کنیم که فشارهای تکنولوژیک و به اعتراضات ادامه می‌دهند. برای مثال، دستمزد یک کارگر بازنشسته به‌طور میانگین تنها قادر است حدود ۶ تا ۱۲ روز از ماه را تأمین از سیستم‌های کنترل سخت‌گیرانه استفاده

می‌کند، عملاً نشان داده‌اند که این‌گونه سیستم‌ها کارایی لازم را ندارند. به‌طور حتم، سازماندهی و تبلیغ جنبش کارگری ما مسیر خود را به‌طور مؤثر ادامه می‌دهد.

چشم‌انداز پیش روی طبقه کارگر ایران چیست؟ آیا به نظر شما این اعتراضات و سازماندهی که به آن اشاره کردید، منجر به تغییرات اساسی در ایران خواهد شد؟

جنبش کارگری در داخل ایران همچنان به مبارزات خود ادامه می‌دهد، اما وظیفه ما که در خارج از کشور هستیم، به مراتب سنگین‌تر و دشوارتر شده است. چرا که در داخل کشور، به دلایل امنیتی، امکان بیان بسیاری از مسائل به‌طور واضح و روشن وجود ندارد. اما ما که خارج از ایران زندگی می‌کنیم، با توجه به روابط و امکانات موجود، می‌توانیم اقدامات مؤثری انجام دهیم. به نظر من، ما باید از زاویه‌ای دیگر نیروی خود را سازماندهی کنیم و به‌سمت مسائلی حرکت کنیم که در دو سال گذشته و پس از آغاز خیزش سراسری "زن، زندگی، آزادی" در ایران مطرح شد. جنبش کارگری ما منشور حداقلی خود را اعلام کرد که به‌نظر من، در تاریخ معاصر ما، این منشور بسیار تعیین‌کننده، ارزشمند و عملی است. مفادی مانند حقوق کار

کودک، مسائل دستمزد، حقوق زنان، حقوق همجنس‌گرایان، ایمنی در محیط کار و موارد مشابه که در داخل کشور دنبال می‌شوند، همگی در این منشور گنجانده شده‌اند. در داخل و خارج از کشور، ما با نیروهایی مواجه هستیم که هنگامی که از شورای عالی مجمع نمایندگان ایران نام می‌بریم، افرادی مانند آقای یاراحمدی که خود را نماینده می‌داند اما در حال حاضر در کشورهای اروپایی مشغول تحصیل است، یا میرغفاری که به‌طور رسمی نماینده شوراهای اسلامی کار است، اما در واقع نماینده دولت و نیروهای سرکوبگر محسوب می‌شود، از جمله افرادی هستند که به سرکوب جنبش کارگری کمک می‌کنند. در خارج از کشور باید به دو صورت عمل کنیم: اولاً روشنگری و آگاهی‌رسانی کرده و دوم اینکه دستاوردهای عظیمی را که جنبش کارگری ایران در مجامع بین‌المللی ثبت کرده است، معرفی کنیم. یکی از اسناد مهم، قطعنامه ۲۳۲۳ در رابطه با کشتار خاتون‌آباد در سال ۱۳۸۳ است. در همان زمان، جمهوری اسلامی ادعا کرد که طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، اقتصاد ایران رو به پیشرفت است. اما در حقیقت، در این سال‌ها، ارزش پول ملی به شدت کاهش یافته و دستمزدها نیز کمتر از گذشته شده‌اند. در این شرایط، باید نگاهی دقیق به پیشرفت جامعه

کارگری در این ۲۰ سال بیندازیم و ببینیم که سند چشم‌انداز به کجا رسیده است. متأسفانه، این سند عملاً وجود خارجی ندارد و تنها عده‌ای از آن بهره‌برداری کرده‌اند.

با این حال، اسناد مهمی چون قطعنامه‌های ۲۳۲۳، ۲۵۶۶ و ۲۵۰۸ که توسط نهادهای کارفرمایی ایران صادر شده‌اند، به تأسیس مبارزات کارگری ایران در سال‌های اخیر اعتبار داده‌اند. بسیاری از افرادی که در سرکوب جنبش کارگری نقش داشته‌اند، اکنون در خارج از ایران هستند و از پول‌هایی که از این سرکوب‌ها به‌دست آورده‌اند، استفاده کرده و خود را به‌عنوان اپوزیسیون نشان می‌دهند. در حالی که دولت و نهادهای خودی کارگری و کارفرمایی در ایران، علیرغم امضای اسناد بین‌المللی در مورد حقوق کارگران، هنوز این حقوق را به رسمیت نشناخته‌اند.

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به هیچ‌جا نرسیده است، اما جامعه کارگری ایران امروز در موقعیتی قوی‌تر قرار گرفته است. مبارزات کارگران در بخش‌های مختلف، مانند انرژی و فولاد، به مراحل جدیدی وارد شده و این خود دستاورد بزرگی است. به‌نظر می‌رسد که با توجه به فشارهای سرکوب، جنبش کارگری ایران توانسته است از این چالش‌ها عبور کند و امید به دستیابی به حقوق خود در آینده را افزایش دهد.



جواد عباسی توللی

این سندیکا با منصور اسانلو، از مدیران پیشین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکالیست ایرانی ساکن آمریکا گفت‌وگو کرده است.

به نظر شما سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تاکنون چه مراحل و فرآیندهایی را از سر گذرانده و دستاوردهای آن دست کم برای کارگرانی که در این شرکت مشغول به کار بوده‌اند، چه بوده است؟ روند کلی این سندیکا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از لحاظ تاریخی تقریباً از اواخر سال ۸۳۳۱ خورشیدی توسط فعالین با سابقه‌ای نظیر سارو ساروزاده و ساروخانیان که هر دو ارمنی بودند، آغاز به فعالیت کرد. این افراد از سندیکالیست‌های جنبش دهه ۲۰ بودند که توانستند با همکاری کسانی که از طریق حزب توده ایران با مسائل کارگری آشنا شده بودند، و همچنین کارگرانی که از محیط‌های صنعتی ایران از سال ۱۳۰۰ به بعد وارد شده و تجربیات نسل‌های گذشته خود را منتقل کرده بودند، جنبش‌های سندیکایی را شکل دهند. از زمان محمد دهگان یا محمد پروانه که به‌عنوان نخستین بنیان‌گذار سندیکاهای ایران در سندیکای کارگران چاپ در سال ۱۲۹۴-۱۲۹۵ شناخته می‌شود، سندیکاهای کارگری ایران به وجود آمدند. این مسیر سندیکالیستی در ایران که به دوران مشروطه و پیش‌زمینه‌های انقلاب مشروطه مرتبط است، پس از آن در دهه ۳۰ با پیشکسوتانی چون ساروخانیان و سارو ساروزاده ادامه یافت. همچنین

در ایران در رابطه با «حق اعتصاب» برای کارگران قانون مشخصی وجود ندارد و کارگران از داشتن سندیکا و تشکل مستقل از دولت برای طرح و پیگیری مطالبات خود محروم‌اند. در بسیاری از موارد مراجع قضایی و نهادهای امنیتی نیز با دستاویز قرار دادن همین موضوع، کارگران معترض را مجرم و قانون‌شکن دانسته و آنها را تحت پیگرد قرار می‌دهند.

این در حالی است که کارفرمایان هم می‌توانند با توسل به قوانین جاری در ایران نظیر «تعریف مزد در ماده ۵۳ قانون کار» حتی دستمزد روزهایی که کارگران برای تحقق مطالبات خود دست به اعتصاب زده‌اند را هم نپردازند.

از سوی دیگر، با نظر به ماده دو «قانون بیمه بیکاری» که در آن آمده است «بیکار از نظر این قانون بیمه‌شده‌ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد»، دولت نیز قادر است تا از کارگرانی که به‌دلیل اعتصاب و اعتراض به کارفرما اخراج و بیکار شده‌اند، حتی حمایت‌هایی نظیر پرداخت بیمه بیکاری را نیز دریغ کند.

با توجه به قوانین ضد کارگری جاری در کشور و همچنین با در نظر گرفتن شرایط موجود، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یکی از تشکل‌های مستقلی است که از آغاز تاسیس خود تاکنون همواره توانسته است با وجود سرکوب‌های شدید و گسترده فعالان کارگری، همچنان مطالبات خود را بیان کند و برای پیشبرد این مطالبات، اعتصاب‌های موثری را سازماندهی کند.

مجله حقوق ما برای بررسی پیشینه و دستاوردهای

بررسی پیشینه و دستاوردهای سندیکای شرکت واحد



شخصیت‌هایی نظیر علی امید، یوسف افتخاری، آرداشز آوانسیان و جعفر پیشه‌وری در بخش‌های مختلف کارگری ایران، به‌ویژه در صنایع نفت جنوب و کارگران چیت‌سازی، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. این مبارزات تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت، اما پس از کودتا و دستگیری بسیاری از فعالین سندیکایی و تعطیلی سندیکاها و احزاب چپ و کارگری، جنبش‌های کارگری با چالش‌های زیادی مواجه شدند.

در پی این تحولات، شهرداری و دولت وقت در سال ۱۳۳۵ تصمیم گرفتند که تمامی شرکت‌های مسافربری داخلی در تهران و حومه را به‌ویژه آنهایی که با وسایل نقلیه قدیمی مانند ون‌ها و شورلت‌های آمریکایی فعالیت می‌کردند، در قالب یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران تجمیع کنند. از آن زمان،

کارگران و رانندگان شرکت واحد که به‌عنوان نمایندگان طبقه کارگری مدرن ایران شناخته می‌شدند، تلاش کردند تا سندیکای مختلف کارگری را تشکیل دهند.

در سال ۱۳۳۹، چهار سندیکای مختلف شامل سندیکای رانندگان، کمک رانندگان، بلیط‌فروشان، و کارگران خدماتی و فنی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران شکل گرفتند. این سندیکاها از سال ۱۳۴۳ به بعد در مجامع مشترک مطالبات خود را مطرح می‌کردند. پیشکسوتانی چون ساروخانیان، سارو ساروزاده و ناصر فرهادی، پس از آموزش‌های لازم، پیمان‌های دسته‌جمعی کار را بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان در شرکت واحد تنظیم کردند. این روند در دهه ۴۰ ادامه یافت و با شروع قراردادهای دسته‌جمعی، مسائل مختلفی مانند

سال ۵۷، که از آن جمله رسمیت یافتن سندیکاها، کارگری بود، به از بین بردن تمام این دستاوردها پرداخت. درست است که سندیکاها در زمان شاه زیر نظر ساواک با بازداشت و توقیف مواجه می‌شدند اما به هر حال در قانون به رسمیت شناخته می‌شدند و کارگران می‌توانستند نمایندگان خود را به طور نسبتاً آزاد و مستقل انتخاب کنند. با این وجود ساواک در این زمینه دخالت کرده و نارضایتی‌هایی را ایجاد می‌کرد. به‌عنوان مثال در اعتصاب کارگران چیت جهان در جاده کرج، ژاندارمری منطقه با همکاری ساواک، کارگران اعتصابی را به رگبار بست که منجر به زخمی و کشته شدن تعدادی از آنها شد. این روند را ساواک و ساوامایی‌ها، کسانی که ساواک به آنها کمک کرد تا رژیم جمهوری اسلامی را جا بیندازند از پیش از سال ۷۵ حمله به سندیکاها را هنگامی که دیدند سندیکاها کارگران نفت در یک شورا متحد شدند و یک اعتصاب بزرگ را سازمان دادند، آغاز کردند. در آبان ۱۳۵۷، ساواکی‌ها و حزب‌اللهی‌ها با ماشین‌های شهرداری به تظاهرات کارگران که از میدان قزوین به سمت دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشگاه شریف) در حرکت بودند، حمله کردند. با ماشین و کامیون به صف تظاهرات حمله کردند. با این وجود کارگران از زن و مرد و جوان و پیر، دستان خود را زنجیر و مقاومت کردند، به گونه‌ای که توانستند جلوی حمله بیشتر به تظاهرات را بگیرند. پس از آن حمله به هسته مقاومت با شعار حزب فقط حزب الله و با زنجیر و چوب و چماق آغاز شد. سندیکالیست‌های مهندسی پخش شرکت نفت، دخانیات، راه‌آهن، کارگران ساختمانی و بخش‌های دیگر همه حضور

داشتند. پس از آغاز حکومت جمهوری اسلامی در سال ۵۷، با وجود مذهب‌گرایی و اسلام‌گرایی که در میان توده‌های مردم وجود داشت و با انتشار شعار ملت چه وقت خوابه، عکس آقا تو ماهه که توسط بی‌بی‌سی منتشر شد، عملاً اسلامیست‌ها بدون دادن هیچ تهمیدی آمدند و با مذهبی کردن شرایط اجتماعی، قدرت را به دست گرفتند و به تمام نهادهای دموکراتیک از جمله آزادی زنان کارگر و سندیکاها، حمله کردند. از همان جا حمله به گروه‌های دگراندیش و احزاب کارگری مثل حزب توده، فداییان، مجاهدین، حمله به احزاب دموکراتیک در کردستان مثل حزب دموکرات و کومله و همچنین حمله به دفتر سیاسی فرهنگی دهقانان ترکمن صحرا که همواره متحد کارگران بودند، آغاز شد. در آن جنگی که نیروهای امنیتی که بعداً سپاه نام گرفت، با مشاوره نیروهای پیشین ساواک، حدود ۷۳۰ تا ۷۴۰ نفر تنها در گنبد کشته شدند. عملاً سرکوبی که بر سندیکاها، کارگری رفت، بخشی از سرکوب احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه‌ای بود که فکر می‌کردند در سال ۵۷، انقلابی دموکراتیک و ملی در حال وقوع است.

در سال ۱۳۵۹ بعد از اینکه خمینی جنگ با عراق را با درخواست از مردم و ارتش عراق برای مخالفت با صدام را آغاز کرد، عملاً حمله به طبقه کارگر و سندیکاها، احزاب، شوراهای و نهادهای کارگری در پروژه‌ای با عنوان ضد انقلاب ۵۷ بر مردم ایران و مردم منطقه برای جلوگیری از رشد مدرنیسم، سوسیالیسم، آزادی‌خواهی، برابری حقوق کلید خورد. به خصوص که اتحادیه مرکزی شورا و

رسیدیم. ما در سال ۱۸۳۱ توانستیم چندصد کارگر خورشیدی یکی از پایه گذاران سندیکای جهانی شده بود. خب این‌ها برای جریان‌های منطقه‌ای جهانی و رقابت‌های سرمایه‌داری جهانی، قابل تحمل نبود. اگر ایران به سمت تبدیل شدن به یک کشور سوسیالیستی دموکراتیک و آزادی‌خواه حتی شبیه به کشورهای اروپای غربی یا چیزی شبیه به ترکیه پیش می‌رفت، موضوع سنگینی بود. برای شکستن این زنجیر به هر حال پروژه ضد انقلاب با حمله به سندیکاها، احزاب و جریان‌های کارگران ایران سازماندهی شد. از ۱۳۴۲ که جنبش ۱۵ خرداد را ساواک برای خمینی و آخوند‌های قم راه انداخت همه یک پروژه انگلیسی بود تا عملاً تمام آن مدرنیزم، دستاوردها، قانون کار، آزادی احزاب و سندیکاها، سپاهی دانش، سپاهی بهداشت، ترویج آبادانی، تقسیم زمین‌های ارباب‌ها میان رعیت‌ها و... را در سال ۵۷ مورد حمله قرار دهد. سپس عملاً با جنگ ایران و عراق و با شمشیری از رو بسته از سوی حکومت جمهوری اسلامی، تمام این دستاوردها از بین رفت. با کشتار کارگران و بیش از ۰۵۱-۰۶ هزار نفر از آزادی‌خواهان از طیف‌های مختلف در تمام ایران به بهانه جنگ از ۳۰ خرداد ۰۶۳۱ و در مقابله با مجاهدین که در دفاع از خود مجبور به اعلام مقاومت شده بودند، همه را به نام ضد انقلاب قتل عام کردند. پس از سال‌های ۶۱-۱۳۶۰، عملاً چراغ‌های جنبش‌های کارگری ایران خاموش و تبدیل به یک جنبش مخفی شد. ما با کمک پیشکسوت‌های همین جنبش مخفی عملاً وارد یک فاز سندیکالیستی مخفی شدیم تا وقتی که به بازگشایی سندیکای شرکت واحد برای اولین بار

با توجه به سرکوب فعالان کارگری در تمام این سال‌ها، به نظر شما امروز سندیکای شرکت واحد کجا ایستاده و چه جایگاهی در جنبش کارگری ایران دارد؟

سندیکای کارگری شرکت واحد، جدا از جنبش سراسری کارگران ایران و مسائل مربوط به تمام مزدبگیران ایران نیست. یک سندیکا به تنهایی در جامعه‌ای غیر دموکراتیک و تحت سلطه حکومتی سرکوبگر و خطرناک‌تر از فاشیسم پیشا قرون وسطایی، نمی‌تواند جایگاه برجسته‌ای داشته باشد. زمانی می‌توان جنبش‌های سندیکایی را اثرگذار و کارآمد دانست که نه تنها سندیکای شرکت واحد، بلکه بیش از ۰۱ هزار سندیکا و فدراسیون‌های سندیکاها با هم پیوسته و هم‌افزا شوند.

در سال ۱۳۸۴، بسیاری از سندیکاها مانند سندیکای خبازان، سایر کارگران و دانشجویان از شهرهای مختلف ایران، در محل سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان یک مرکز واقعی و آزاد گرد هم آمدند. به همین دلیل، رژیم با تمام قوا به ما حمله کرد. با اینکه به ظاهر ما یک سندیکای شرکت واحد بودیم، معلمان و کارگران نفت از سراسر ایران و حتی از خانه‌های کارگری که علیه کارگران تشکیل شده بود، به ما پیوستند. جنبش کارگری ایران تنها به سندیکای شرکت واحد محدود نیست، بلکه جنبش سندیکالیستی با کمک نیروهای مردمی، دموکراسی‌خواه و آزادی‌خواه تا به امروز زنده مانده است.

در حال حاضر بخش‌های مختلفی از کارگران، از جمله بازنشستگان و معلمان، پرچم جنبش کارگری و سندیکایی را بالا نگه داشته‌اند. در حال حاضر، ابراهیم مددی و داوود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکا، نرگس منصوری از اعضای زحمتکش سندیکا، آیشا اسداللهی و بسیاری از جوانان دانشجویی که در ارتباط با جنبش کارگری در زندان به سر می‌برند، همچنان پرچم این مبارزات را برافراشته نگه داشته‌اند.

جنبش عظیم کارگری ایران همچنان زنده است. با وجود اینکه سندیکای شرکت واحد دفتر مشخصی ندارد و حتی جلسات خانگی مرتبط با آن نیز مورد حمله قرار می‌گیرد، فعالانی نظیر رضا شهبانی که سال‌ها در زندان بودند و همچنان به زندگی و کار شرافتمندانه خود ادامه می‌دهند، پرچم جنبش کارگری و سندیکایی را برافراشته نگاه داشته‌اند. در جنوب ایران نیز کارگران سندیکالیست و بازنشستگان، مانند فریدون نیکوفر و علی نجاتی، در صف اول مبارزات قرار دارند. افرادی چون هاشم خواستار از جنبش سندیکایی معلمان، اسماعیل عبدی و رسول بدایقی نیز تحت سرکوب قرار دارند. خط سرخ مبارزه و خون همه مزدبگیران همچنان ادامه دارد.

سندیکای کارگران شرکت واحد به نوعی به شکل معنوی و مخفی پرچم‌دار این مبارزات است. رژیم اسلامی از سندیکای کارگران شرکت واحد هراس دارد و با وجود شرایط دشواری که اکنون کارگران ایران با آن روبه‌رو هستند، سندیکای کارگران شرکت واحد می‌تواند با بهره‌گیری از پشتیبانی رسانه‌ای قوی، به‌طور مستقیم با کارگران ارتباط برقرار کرده و امید گسترده‌ای را به جامعه بازگرداند.

جواد عباسی توللی

تهران و حومه یکی از فعال‌ترین تشکل‌های ورشکستگی اقتصادی حکومت ایران در سال‌های اخیر و فقر و فلاکت مردم و نبود کار حقوق کارگران، بهبود شرایط کاری و افزایش دستمزدها تشکیل شده است. این سندیکا ایران، راهی جز اعتراض و اعتصاب را پیش پای جامعه کارگری باقی نگذاشته است. هم‌زمان با تشدید بحران اقتصادی و بروز مشکلات فزاینده معیشتی برای کارگران، برخورد نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی با تشکل‌های کارگری نیز شدت یافته است.

یکی از تشکل‌های مستقل کارگری که در طول سال‌ها و دهه‌های اخیر همواره با سازماندهی اعتراضات و اعتصاب‌ها تلاش داشته از حقوق کارگران در ایران دفاع کند، «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» بوده است.

مجله حقوق ما برای بررسی دستاوردهای سندیکا شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با همایون جابری، یکی از اعضای این سندیکا و فعال کارگری ساکن آمریکا گفت‌وگو کرده است. به‌نظر شما سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از آغاز تاکنون چه مرحله‌ای را طی کرده و دستاوردهای این سندیکا برای کارگران چه بوده است؟

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یکی از فعال‌ترین تشکل‌های ورشکستگی اقتصادی حکومت ایران در سال‌های اخیر و فقر و فلاکت مردم و نبود کار حقوق کارگران، بهبود شرایط کاری و افزایش دستمزدها تشکیل شده است. این سندیکا ایران، راهی جز اعتراض و اعتصاب را پیش پای جامعه کارگری باقی نگذاشته است. هم‌زمان با تشدید بحران اقتصادی و بروز مشکلات فزاینده معیشتی برای کارگران، برخورد نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی با تشکل‌های کارگری نیز شدت یافته است.

مراحل مهم فعالیت سندیکا:

۱. احیای مجدد در سال ۱۳۸۴

با برگزاری مجمع عمومی در سال ۱۳۸۴، کارگران شرکت واحد تلاش کردند فعالیت سندیکا را از سر بگیرند. این اقدام با واکنش شدید حکومت و بازداشت فعالان کارگری، مانند منصور اسانلو، روبه‌رو شد.

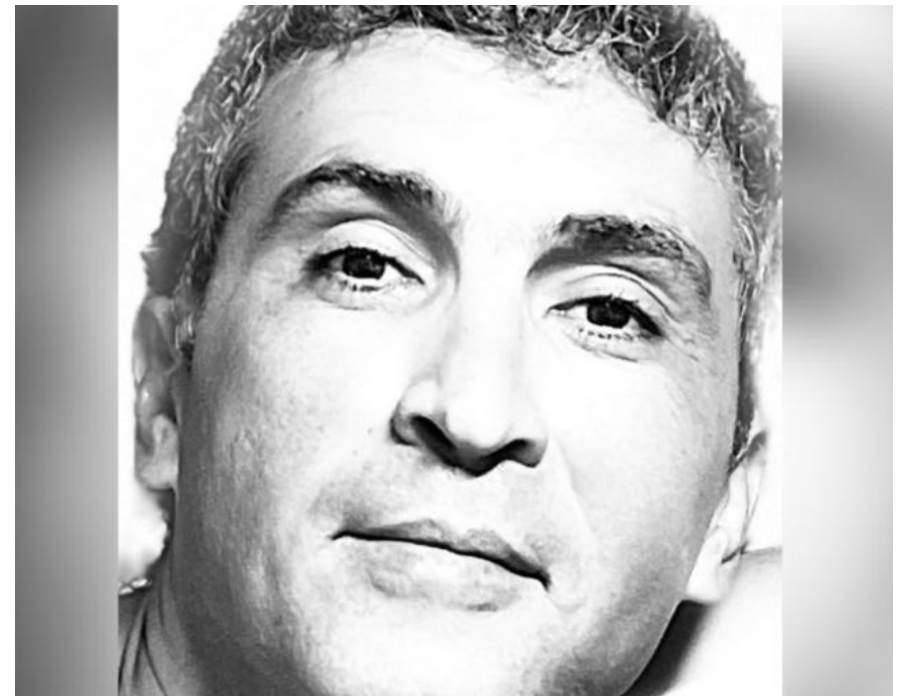
۲. اعتراضات و اعتصابات:

کارگران شرکت واحد با برگزاری اعتصابات و تجمعات مسالمت‌آمیز، برای افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کاری، و تامین امنیت شغلی مبارزه کردند. این اقدامات غالباً با سرکوب شدید مواجه شد.

۳. سرکوب‌ها و فشارها:

دولت جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه نهادهای امنیتی، بارها اعضای فعال سندیکا را دستگیر، تهدید، و از کار اخراج کرده‌اند. بسیاری از

تلاش برای همبستگی می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت برای طبقه کارگر باشد



اعضا، از جمله رضا شهبابی و داوود رضوی، به دلیل فعالیت‌های سندیکایی با حبس‌های طولانی مدت روبه‌رو شدند.

دستاوردهای سندیکا:

افزایش آگاهی کارگران نسبت به حقوق خود. ایجاد شبکه‌ای از همبستگی کارگری. فشار بر کارفرمایان و دولت برای رعایت برخی استانداردها، مانند پرداخت حقوق معوقه و افزایش حداقل دستمزد. جلب حمایت بین‌المللی از طریق اتحادیه‌های جهانی کارگری.

به نظر شما آیا کارگران ایران می‌توانند بدون وجود سندیکاهای رسمی به حق و حقوق خود برسند؟

رسیدن به حقوق کارگری بدون وجود سندیکاهای مستقل بسیار دشوار است، زیرا:

۱. سازمان‌دهی ضعیف: بدون سندیکا، کارگران نمی‌توانند به‌طور منسجم و هماهنگ برای حقوق خود مذاکره یا اعتصاب کنند.

۲. عدم قدرت چانه‌زنی: سندیکاهای با استفاده از تشکل و همبستگی، قدرت چانه‌زنی جمعی را فراهم می‌کنند. در نبود سندیکا، کارگران به‌طور انفرادی در مقابل کارفرمایان ضعیف هستند.



۳. سرکوب و تهدید:

در کشورهایی مانند ایران که قوانین کارگری به نفع کارگران تنظیم نشده و نهادهای دولتی از کارفرمایان حمایت می‌کنند، سندیکاهای می‌توانند نقش حمایتی و حفاظتی داشته باشند.

۴. افزایش آگاهی:

سندیکاهای آموزش‌هایی درباره حقوق کارگری و قوانین کار ارائه می‌دهند. در نبود آن‌ها، بسیاری از کارگران از حقوق خود بی‌اطلاع می‌مانند.

فعالیت سندیکاهای و اتحادیه‌های مستقل در ایران همچنان با سرکوب مواجه است و کارگران به دلیل اعتراضات و اعتصابات تحت فشار قرار می‌گیرند.

۲. شرایط اقتصادی دشوار:

تورم، کاهش ارزش پول ملی، و نبود امنیت شغلی از مشکلات عمده‌ای است که طبقه کارگر ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

۳. قوانین ناکارآمد:

قوانین کار ایران بیشتر به نفع کارفرمایان و نهادهای دولتی است تا کارگران.

امیدها و فرصت‌ها:

۱. افزایش آگاهی کارگران:

با گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، آگاهی کارگران نسبت به حقوق خود و اهمیت تشکلیابی بیشتر شده است.

۲. حمایت‌های بین‌المللی:

اتحادیه‌های جهانی کارگری، مانند CUTI، از مبارزات کارگری در ایران حمایت می‌کنند و این می‌تواند فشار بین‌المللی بر دولت ایران را افزایش دهد.

۳. نیاز به همبستگی:

اگر طبقه کارگر ایران بتواند تشکل‌های مستقل و هماهنگ‌تری ایجاد کند، قدرت آن‌ها برای دستیابی به حقوق خود افزایش خواهد یافت.

از دیدگاه شما، چشم‌انداز پیش روی طبقه کارگر ایران چیست؟

چشم‌انداز طبقه کارگر ایران به عواملی مانند تغییرات اجتماعی، اصلاحات اقتصادی، و میزان سرکوب یا آزادی تشکل‌های کارگری بستگی دارد. با وجود فشارها، آگاهی فزاینده و تلاش برای همبستگی می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت برای این طبقه باشد.

چالش‌ها:

۱. سرکوب تشکل‌های مستقل:

بررسی نقش اقدامات جهانی در حمایت از جنبش کارگری ایران



کارگران و اقلیت مختلف مردم در ایران با مشکلات جدی معیشتی روبه‌رو هستند. بسیاری از کارگران به طور منظم حقوق خود را دریافت نمی‌کنند و در مواردی حتی پرداخت حقوق آن‌ها برای مدت طولانی معوق می‌ماند.

در عین حال، دولت فشار زیادی بر جنبش کارگری مستقل ایران وارد می‌کند، که نتیجه آن عدم رعایت حقوق اساسی کارگران در این زمینه است. سرکوب کارگران در ایران اما در بیشتر موارد با واکنش‌های گسترده‌ای از سوی سازمان‌های حقوق بشری و اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی مواجه شده است. یکی از این اتحادیه‌ها، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل است که در سال ۴۸۳۱ و هم‌زمان با اعتصاب کارگران «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» در تهران، از کارگران زندانی حمایت‌های ویژه‌ای کرده بود.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر این حمایت‌ها و همچنین برای بررسی نقش اقدامات جهانی در حمایت از جنبش کارگری ایران با مک اوراتا، دبیر سابق فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل گفت‌وگو کرده است.

۱. واکنش‌های فوری و اعتراضات بین‌المللی پس از بازداشت گسترده اعضای سندیکا، موجی از اعتراضات بین‌المللی شکل گرفت:

- نامه‌های رسمی اعتراضی: اتحادیه‌های کارگری از کشورهای مختلف از جمله بریتانیا، آلمان، کانادا، فرانسه، آمریکا، سوئد، ژاپن و استرالیا به دولت ایران نامه‌های اعتراض ارسال کردند.

در جریان اعتصاب آذرماه ۱۳۸۴ «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» در حمایت از کارگران نقش آفرینی کردید. آیا می‌توانید در مورد اقداماتی که در آن زمان برای کمک به آنها انجام دادید توضیح دهید؟

- شکایت به سازمان بین‌المللی کار (OLI): در ژوئیه ۲۰۰۶، FTI و UTFCI شکایت رسمی درباره نقض حقوق کارگران ایرانی را به کمیته آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار ارائه دادند.



ایرانی می توان انجام داد؟

روزنامه‌نگاران و پژوهشگرانی مانند من باید نقش فعال‌تری در گزارش‌دهی درباره مسائل کارگری ایران ایفا کنند. ارائه تحلیل‌های دقیق از وضعیت کنونی ضروری است، اما به همان اندازه، به‌روزرسانی روزانه و انتشار پیام‌های کوتاه آنلاین درباره این مسائل اهمیت دارد. این نوع «پوشش زنده» حس فوریت بیشتری را در مخاطبان ایجاد کرده و آن‌ها را به اقدام موثرتر

ترغیب می‌کند.

در صورتی که جنبش‌های کارگری گسترده‌تر خواستار همبستگی با کارگران ایرانی شوند، روزنامه‌نگاران و پژوهشگران باید در این اقدامات مشارکت کنند. این اقدامات شامل اعتراض در برابر سفارت ایران، تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها، نشست‌های خبری، جلسات عمومی، توزیع اعلامیه، امضای طومار و ارسال گسترده ایمیل‌های اعتراضی آنلاین (مانند کمپین «هم‌اکنون اقدام کنید») در وبسایت (tratsruobaL) خواهد بود. همچنین، روزنامه‌نگاران و پژوهشگران باید به دنبال همکاری با گروه‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل باشند، چرا که این سازمان‌ها همواره در جهت دفاع از حقوق کارگران در ایران فعالیت کرده‌اند.

به نظر شما چرا سازمان‌های بین‌المللی تا حد زیادی بی‌تفاوت مانده‌اند یا نتوانسته‌اند پاسخی مؤثر به سرکوب شدید کارگران ایرانی و محرومیت از حق عضویت در اتحادیه‌ها ارائه دهند؟

همانطور که می‌دانید، اتحادیه‌های مستقل در چین مجاز نیستند و اتحادیه‌های رسمی از مبارزات کارگران حمایت نمی‌کنند. با توجه به چنین پیش‌زمینه‌ای، سی‌ال‌بی (anHC) در سال ۱۹۹۴ (nitelluB ruobaL) تأسیس شد تا اعتصابات و حوادث صنعتی که در چین در حال وقوع است را به اطلاع عموم برساند.

- پوشش خبری و فشار رسانه‌ای: بیانیه‌های متعددی از سوی سازمان‌های کارگری منتشر شد که توجه رسانه‌های بین‌المللی را به وضعیت کارگران شرکت واحد جلب کرد.
- ۲. فراخوان و همبستگی جهانی
- در ژانویه ۲۰۰۶، بیش از ۵۰۰۰ عضو اتحادیه‌های کارگری از اروپا، آمریکای شمالی، آسیا و آفریقا در اعتراضات جهانی علیه سرکوب کارگران ایرانی شرکت کردند.
- تجمعاتی در برابر سفارتخانه‌های ایران در لندن، برلین، پاریس، اتاوا و نیویورک برگزار شد.
- اعتصابات نمادین در حمایت از کارگران شرکت واحد در برخی کشورها انجام گرفت.

- ۳. فشارهای دیپلماتیک و قانونی
- پارلمان بریتانیا در ژانویه ۲۰۰۶، قطعنامه‌ای در حمایت از کارگران ایرانی تصویب کرد.
- دیدارهای دیپلماتیک: برخی نمایندگان اتحادیه‌های کارگری تلاش کردند از طریق سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی، مقامات ایرانی را برای آزادی کارگران تحت فشار قرار دهند.
- فشار بر دولت ایران برای آزادی منصور اسانلو: اسانلو، به عنوان یکی از رهبران سندیکا، بارها بازداشت و آزاد شد و حمایت جهانی از وی ادامه داشت.
- ۴. تأثیر این اقدامات
- بسیاری از کارگران بازداشت‌شده در نهایت آزاد شدند، اگرچه برخی تحت فشار مجبور به امضای تعهدنامه شدند.

- سازمان‌های بین‌المللی همچنان به نظارت بر وضعیت اتحادیه‌های کارگری در ایران ادامه دادند.
- علیرغم سرکوب‌ها، همبستگی جهانی با کارگران شرکت واحد تأثیری مهم در جلب توجه به وضعیت حقوق کارگران در ایران داشت.

از دیدگاه شما چه اقداماتی در سطح بین‌المللی برای تقویت حمایت از کارگران

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net